

جزوه درس به درس عربی

کنکوردوازدهم مشترک

« الدَّرْسُ الْأَوَّلُ » ❁ « الدِّينُ وَ التَّدْيِينُ »



درسنامه ۱: حروف مشبّهة بالفعل

حروفی هستند که بر سر جمله اسمیه می آیند، و تغییری در علامت آخر مبتدا ایجاد می کنند و هر کدام معنی و غرض خاصی دارند.

این حروف عبارتند از: **إِنَّ، أَنْ، كَأَنَّ، لَكِنَّ، لَيْتَ، لَعَلَّ** ناصب اسمند و رافع در خبر

إِنَّ؛ (لِلتَّأَكِيدِ) : همانا، بدرستی که، بی شک، مسلماً و ... : « **إِنَّ** » برای تأکید می آید و باعث تأکید محتوای جمله می شود. **العَضْبُ مَفْسَدَةٌ :**

خشم مایه تباهی است. / **إِنَّ العَضْبَ مَفْسَدَةٌ.** برآستی خشم مایه تباهی است.

إِنَّ؛ تکیه کلام عرب است و در بیشتر جملات لازم نیست ترجمه شود و در تست اگر ترجمه نشد اشکال ندارد.

شما هم « **إِنَّ** » را فقط در آیات و احادیث ترجمه کنید که جمله تأکیدی شود.

أَنَّ؛ (لِلرِّبْطِ) : که : بین دو جمله می آید و آن دو را به هم ربط می دهد. **إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي صُدُورِكُمْ ! :** بدانید که خداوند

آنچه را که در سینه های شماست می داند.

كَأَنَّ؛ (لِلتَّشْبِيهِ) : گویا، مثل اینکه : بیشتر برای تشبیه و همانند سازی و گاهی برای ایجاد شک و تردید می آید.

﴿ **كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ** ﴾ : گویا آنها مانند یاقوت و مرجان هستند. (**لِلتَّشْبِيهِ**).

كَأَنَّكَ لَا تَفْهَمُ كَلَامِي : مثل اینکه سخن مرا نفهمیدی ! (**لِلشَّكِّ**) : منظور این است که من شک دارم که سخن مرا فهمیده باشی !

لَكِنَّ؛ (لِتَكْمِيلِ الْعِبَارَةِ وَ لِرَفْعِ الْإِبْهَامِ) : ولی، امّا : برای کامل کردن پیام جمله و برطرف کردن ابهام از جمله بکار می رود.

﴿ **فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَ لَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْمَلُونَ** ﴾ : پس این روز رستاخیز است ولی شما نمی دانستید.

لَيْتَ؛ (لِلتَّمَنِّيِّ وَ الْمُنَى) : آرزو کردن، آرزو کردن، ای کاش، ای کاش : بیانگر آرزو است و به صورت « **يَا لَيْتَ** » هم بکار می رود.

نکته ۱: اگر بعد از لیت فعل مضارع بکار رود به صورت مضارع التزامی معنی می شود.

لَيْتَ الشَّبَابَ يَعُودُ : کاش جوانی بازگردد!

نکته ۲: اگر بعد از لیت فعل ماضی بکار رود غالباً به صورت ماضی استمراری معنی می شود.

لَيْتَ النَّالِمِيذُ اجْتَهَدُوا فِي أُمُورِهِمْ! : کاش دانش آموزان در کارهایشان تلاش می کردند. (ماضی استمراری)

لَعَلَّ (لِلتَّرَجِّيِّ وَ الرَّجَاءِ : امید داشتن) : شاید، امید است، چه بسا. برای امیدواری بکار می رود.

نکته ۳: اگر بعد از لعل فعل مضارع بکار رود به صورت مضارع التزامی معنی می شود.

﴿ وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴾ : و آنگاه که قرآن خوانده شود پس بدان گوش فرا دهید، امید است مورد رحمت قرار گیرید.

مطالعه: حرف «ما» به «إِنَّ» و «أَنَّ» متصل می شود و (إِنَّمَا، أُنَّمَا) معنای تنها و فقط میدهد و دیگر معنای قبلی خود را ندارند.

مثال: إِنَّمَا اللَّهُ قَادِرٌ! «إِنَّمَا» را از ادات حصر می گیرند (فقط خداوند توانا است.) یعنی توانا بودن در انحصار خداوند است.

تست نمونه :

۱- عَيْنِ الحرف يدلُّ لرفع الإبهام :

(۱) ﴿ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴾ (۲) ﴿ ... أَنْ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴾

(۳) ﴿ كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ ﴾ (۴) ﴿ إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴾ .

۲- عَيْنِ الخَطَا عَنْ الْأَغْرَاضِ لِلحُرُوفِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ :

(۱) ﴿ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا ﴾ : لِلتَّمْنَى وَالْمُنَا ! (۲) عَلِمْنَا أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . : لِلتَّأْكِيدِ وَ الرَّجَاءِ!

(۳) نحنُ مُتَدَيِّنُونَ وَ لَكِنَّ التَّدِينَ فِطْرِيٌّ فِي الْإِنْسَانِ : لِلإِتِمَامِ مَعْنَى الْجُمْلَةِ ! (۴) كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ : لِلتَّشْبِيهِ !

۳- عَيْنِ الحرف يدلُّ على الرجاء :

(۱) إِنَّ الْأَخْلَاقَ الْفَاضِلَةَ زِينَةُ الْعُقَلَاءِ دَائِمًا! (۲) اللَّهُ يَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَكِنَّكُمْ لَا تَعْلَمُونَ !

(۳) ﴿ وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا ﴾ (۴) ﴿ إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴾

۴- عَيْنِ الحرف يدلُّ على التأكيد :

(۱) إِنَّ هَذِينَ الْبَلَدِينَ مُتَقَدِّمَانِ فِي الصَّنَاعَةِ وَ مَشْهُورَانِ فِيهَا! (۲) كَأَنَّهُ مُصْبِحٌ فِي الطَّرِيقِ يُخْرِجُ النَّاسَ مِنَ الْجَهَالَةِ!

(۳) أَنْتُمْ قَادِرُونَ عَلَى الْعَمَلِ وَ لَكِنَّكُمْ لَا تَعْلَمُونَ! (۴) لَيْتَنَّا مَا كُنَّا عَنْ عِبَادَاتِنَا الْيَوْمِيَّةِ غَافِلِينَ!

۵- عَيْنِ الحرف يدلُّ على التشبيه :

(۱) لَيْتَ الْفُرْصَةَ تُغْنِمَ لِيُسْتَفَادَ مِنْهَا أَكْثَرًا! (۲) كَأَنَّ مَزْرَعَةَ الْقَمْحِ صَفْحَةً ذَهَبِيَّةً جَمِيلَةً !

(۳) كَأَنَّ اللَّهَ لَا يَرْحَمُ مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ! (۴) كَأَنَّ الْإِنْسَانَ لَا يُرِيدُ أَنْ يَصِلَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى !

پاسخ تشریحی تست ها :

۱-گزینه (۲) : إِنَّ در گزینه (۱ و ۴) برای تأکید است . أَنَّ در گزینه (۲) برای ارتباط و لکن به جهت رفع ابهام بکار رفته است. در گزینه (۳) كَأَنَّ

برای تشبیه بکار رفته است، زیرا هُنَّ را به یاقوت و مرجان تشبیه کرده است. لَعَلَّ در گزینه (۴) برای آرزو و تمنی است.

۲- گزینه (۲) : أَنَّ برای برقراری ارتباط به معنی که و إِنَّ برای تأکید و لَعَلَّ برای رجاء (امید) بکار می روند.بقیه گزینه ها صحیح است.

۳- گزینه (۴)

گزینه ها: (۱) إِنَّ: للتأكيد (۲) لَكِنَّ: برای کامل کردن پیام جمله و رفع ابهام از آن آمده است. - (۳) لَيْتَ: برای آرزو (لِلتَّمَنِّي) - (۴) إِنَّ: برای تأکید است ولی لَعَلَّ: برای رجاء (امید) بکار می رود.

۴- گزینه (۱): إِنَّ: برای تأکید بکار می رود. (گزینه ها ۱-كأن: تشبیه و شك - ۲- لَكِنَّ: تکمیل جمله و رفع ابهام - ۳- لَيْتَ: آرزو)

۵- گزینه (۲):

گزینه ها: (۱) لَيْتَ: برای آرزو است (لِلتَّمَنِّي) - (۲) كأن: در این عبارت برای تشبیه بکار رفته است (مزرعه گندم را به صفحه طلایی زیبایی تشبیه کرده است. ۳) و (۴) كأن: در این دو گزینه برای ایجاد شک و تردید است تا مطلب در ذهن مخاطب تثبیت شود. ترجمه گزینه ها ۳) گویا خدا رحم نمی کند به کسی که به مردم رحم نکند. ۴) گویا انسان نمی خواهد به خداوند متعال برسد!

درسنامه ۲- لا نفی جنس (ناسخه): لای نفی جنس بر سر اسم می آید و به آخر آن یک فتحه می دهد و معنای «هیچ...نیست» می دهد

تذکرات:

۱- بلافاصله بعد از لای نفی جنس اسم می آید، ۲- اسم پس از لا «ال» و تنوین نمی گیرد.

مثال: لا سيف أقطع من الحق: هیچ شمشیری برنده تر از حق نیست.

صورت های غلط لای نفی جنس:

❖ (۱) لا سيفاً أقطع من الحق! اسم پس از لا تنوین گرفته نادرست است!

❖ (۲) لا السيف أقطع من الحق! اسم پس از لا «ال» گرفته غلط می باشد!

خلاصه انواع «لا» را یکبار دیگر در این درس با هم مرور کنیم:

- نفی (نافیه) + مضارع مرفوع / ترجمه ← مضارع منفی
- نهی (ناهیه) + مضارع مجزوم / ترجمه ← مضارع التزامی منفی
- جواب: در جواب أ و هَل (آیا) به معنای «نه» می آید.
- نفی جنس: بر سر اسم می آید و معنای «هیچ... نیست» می دهد.
- عطف (عاطفه): بین دو کلمه یا جمله به معنی «نه» بکار می رود.

انواع «لا»

تست:

۶- عَيْن «لا» النافية للجنس:

(۱) لا لك عمل آخر؟!

(۳) لا أرى التجارة أنفع من اكتساب العلم!

(۲) الليلة لانجم في السماء.

(۴) لا تنمو الزهور إلا في حقائق ذات بهجة.

۷- عَيْن «لا» النافية للجنس:

(۱) اليوم لا طالبة في المدرسة!

(۳) ألا تعلم أن الله على كل شيء محيط!

(۲) لا تطلبوا إلا أعمال الخير!

(۴) لم تقول ما لا تعلم، أيها الإنسان!

www.my-dars.ir

۸- عین «لا» لنفی الجنس :

« ايمانى ۹۲ »

- (۱) الَّذِي لَا يَعْمَلُ بَجْدَلٍ لَنْ يَرَى النَّجَاحَ فِي حَيَاتِهِ!
(۲) سَلِّمَتْ عَلَيَّ صَدِيقِي لَا عَلَيَّ جَمِيعِ الْحَاضِرِينَ!
(۳) يَجِبُ أَنْ نَعْتَرِفَ بِأَنَّهُ لَا نَفْعَ فِي مَجَالَسَةِ الْجَهَّالِ!
(۴) إِنَّ أَخَاهُ لَا يَدْرُسُ فِي الْبَيْتِ، بَلْ فِي الْمَدْرَسَةِ!

« ریاضی ۹۶ »

- ۹- عین حرف «لا» نافیةً : (نفی)
(۱) يَا عَاقِلُ! لَا تَفَكِّرْ فِي شُؤْنِ الْآخِرِينَ،
(۲) فَلَا تَجْعَلْ بَاطِنَ حَيَاتِكَ مَعَادِلًا لظَاهِرِ حَيَاتِهِمْ،
(۳) فَلَا أَحَدًا إِلَّا وَعِنْدَهُ مَشَاكِلُ فِي بَاطِنِ حَيَاتِهِ،
(۴) لَا يَعْلَمُهَا أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ تَعَالَى!
۱۰- عین الخطأ فی نوعیة «لا»:

- (۱) هَلْ هَذَا شَاعِرٌ جَلِيلٌ؟ لَا تَاجِرٌ نَشِيطٌ! (للجواب)
(۲) قَلْتُ لَزِمْتَنِي : لَا شَكَّ فِي انْتِصَارِ الْحَقِّ! (لنفی الجنس)
(۳) لَا يَذْهَبُ الْمُؤْمِنُ إِلَى مَجَالِسِ السُّوءِ! (لِلنَّهْيِ)
(۴) لَا تَكْتَابُ بَيْنَ الزَّمِيلَيْنِ فِي هَذِهِ الْأَيَّامِ! (لِلنَّفْيِ)

پاسخ تشریحی تست ها :

۶- گزینه (۲) :

در گزینه (۱) بعد از «لا» جارومجرور «لک» آمده است. و در گزینه (۳و۴) بعد از «لا» فعل آمده که هردو نفی هستند. ولی در گزینه (۲) کلمه «نجم» اسم است پس «لا»، نفی جنس است.

۷- گزینه (۱) :

در گزینه (۱) بعد از «لا» طالبه اسم است ولی در سه گزینه دیگر بعد از «لا» فعل آمده است. (گزینه «۲» لا نهی و گزینه های «۳و۴» «لا» نفی است.

۸- گزینه (۳) :

اگر دقت کنید فقط کلمه «نفع» در گزینه سه اسم است که بعد از «لا» بکار رفته. در گزینه (۱و۴) بعد از «لا» فعل آمده که فعل مضارع منفی هستند و در گزینه ۲ هم بعد از «لا» حرف جر علی آمده و این «لا» حرف عطف است.

۹- گزینه (۴) :

در گزینه (۱و۲) «لا» نهی است زیرا جمله با مخاطب خود صحبت می کند و از روی «یا عاقل» و ضمائر مخاطب مشخص است که در معنای نهی بکار می رود. (لَا تُفَكِّرُ : فِكْرٌ نَكْنٌ - لَا تَجْعَلُ : قَرَارٌ مَدَةٌ). در گزینه (۳) هم که بعد از «لا» اسم آمده پس لای نفی جنس است. اما در گزینه (۴) لَا يَعْلَمُ : نَمَى دَانَد ، نَفَى اسْت و چیز دیگری نمی تواند معنی شود.

۱۰- گزینه (۴) :

دقت کنید در گزینه (۴) «تکاتب» اسم است نه فعل و اینجا معنای فعلی ندارد. پس «لا» نفی جنس است. امروز بین دو همکلاسی هیچ نامی نگاری نشد.

گزینه ها : ۱- در جواب «هل» آمده پس حرف جواب است. ۲- بعدش اسم آمده پس لا نفی جنس است. ۳- بر سر مضارع آمده و در اینجا چون حرکت آخرش مشخص نیست، هر دو معنی (نمی رود «نفی» و نباید برود «نهی») صحیح می باشند.